

پرفسور اوکازاکی، کشاورزی ایران، آب و قنات

از ایرانشناسان ژاپنی که در این سالهای نزدیک کاری شایسته در شناخت و شناساندن فرهنگ و تمدن ایران و اثر گسترده آن در تمدن جهانی کرده‌اند، پرفسور شوکو اوکازاکی استاد دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا سهمی ممتاز دارد. پرفسور اوکازاکی، استاد زبان فارسی و ایرانشناسی و پژوهنده تاریخ قاجار و کشاورزی ایران بویژه منابع تولید در روستا و اقتصاد روستایی، در دهه ۱۹۶۰ تحصیل و تحقیق خود را در دانشگاه تهران، در مؤسسه تحقیقات اقتصادی (دانشکده اقتصاد بعدی)، دنبال کرد و پژوهش خود را بیشتر بر منابع آب در روستا و احوال اقتصادی جامعه شهری و کشاورزی ایران در دوره قاجار متمرکز ساخته و مقاله‌های متعدد در نشریه‌های خاورشناسی ژاپن و مجله‌های معتبر شرقشناسی جهان انتشار داده است.

از کارهای ارزنده و ماندنی پرفسور اوکازاکی فهرست کتابشناسی و منابع تحقیق در باره ایران عصر قاجار است، با مشخصات زیر:

Shoko Okazaki & Kinji Eura; Bibliography on Qajar Persia, Osaka University of Foreign Studies, 1985, 163 pages.

این پژوهش مأخذ شناسانه مشترک پرفسور اوکازاکی و کینجی‌ئه اؤرا، پژوهنده تاریخ دوره قاجار، اسناد و منابع تحقیق در احوال ایران در روزگار حکومت قاجاریان را که به کار پژوهندگان می‌آید به ترتیب زیر طبقه‌بندی و فهرست کرده است:

۱- اسناد محرمانه مربوط به روابط خارجی (اسناد وزارت خارجه انگلیس) به ترتیب تاریخ،

مربوط به سالهای ۱۸۲۶ تا ۱۹۱۲.

۲- گزارشهای کنسولی بریتانیا در باره ایران، مربوط به سالهای ۱۸۶۱ تا ۱۹۰۶ به ترتیب تاریخ و به تفکیک ناحیه‌ها، (گیلان، تبریز، تهران، کرمانشاه، بوشهر، خراسان، اصفهان و کرمان)

۳- منابع اروپایی (انگلیسی، فرانسه، و...)

۴- منابع روسی

۵- منابع ژاپنی (قدیم و جدید)

فهرست ممتدی نیز از والیان و حکام ایالات ایران از سال ۱۸۴۸ تا پایان دوره قاجار پیوست این کتابنامه است.

یکی از کارهای روشنگر پرفسور اوکازاکی معرفی قنات در ژاپن بوده است. مقاله‌هایی به ژاپنی و انگلیسی از نتیجه این تحقیق منتشر شده که از آن میان فصلی است در باره فن و پیدایی قنات ژاپنی (مامبو) در کتاب قنات به زبان انگلیسی تألیف مایکل بونین با مشخصات زیر:

Okazaki, Shoko; The Japanese Quanat (Mambo): its Technology and Origin, in: Quanat, Kariz and Khattara: Traditional Water Systems in the Middle East and North Africa, Peter Beaumont, Michael Bonine and Keith McLachlan (eds.), The Middle East Center, School of Oriental and african studies, univ. of London, 1989.

از پرفسور اوکازاکی مقاله‌هایی نیز در احوال اقتصادی و اجتماعی ایران در سده نوزدهم به زبانهای ژاپنی و انگلیسی منتشر شده که بعضاً به فارسی هم درآمده است (از آن میان، نگاه کنید به: قحطی بزرگ سال ۱۲۸۸ در ایران، ترجمه هاشم رجب‌زاده، آینده، سال دوازدهم، شماره ۱-۳ فروردین - خرداد ۱۳۶۵، صفحه‌های ۲۸ تا ۴۱).

حاصل تحقیق و تجربه و تکاپوی پرفسور اوکازاکی در شیوه کشت و کار و آبیاری کشاورزی در ایران و یافته‌هایش در سالهای پژوهش در روستاهای ایران، مانند طالب‌آباد و رامین، کتاب عالمانه و پر محتوای «قنات، آبراه زیرزمینی ایران» به زبان ژاپنی است که در ماه نوامبر ۱۹۸۸ بوسیله نگاه نشر کتاب «رونسوه شا» در توکیو منتشر شد. این کتاب که فهرست مطالب آن در پایان این نوشته می‌آید به جنبه‌های گوناگون قنات، این شریان حیاتی روستاهای کویری ایران، و سهم و اثر آن در زندگی روستا و حیات فرهنگی و اقتصادی مردمی که این شاهرگ زندگی‌ساز در واقع روزنه رزق آنهاست پرداخته و کارکرد و اهمیت آنرا در اقتصاد و جامعه ایران بررسی کرده است.

کتاب قنات پرفسور اوکازاکی پس از مقدمه‌ای در فرهنگ آب در ایران و فولکلور آب و ارزش و اهمیت آب برای ایرانیان، در پنج فصل به مطالب زیر پرداخته است: کویر و قنات، فن و فرهنگ قنات، منطلق آب و نظام زمینداری، ساخت قنات و بافت جامعه ایران، و اندیشه و تاریخ کاربرد آب در عمران.

هانری گوبلو فرانسوی در اثری تحقیقی که چند سال پیش در باره قنات تألیف کرده و ترجمه فارسی آن به نام «قنات، فنی برای دستیابی به آب» منتشر شده، فصل دوم کتاب خود را که «ابداع قنات» عنوان دارد با این سخن آغاز کرده است: «همه چیز دال بر آن است که نخستین قناتها در محدوده فرهنگی ایران پدیدار شده‌اند» (هانری گوبلو قنات، فنی برای دستیابی به آب، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم و محمدحسین پاپلی یزدی، نشر آستان قدس، ۱۳۷۱، ص ۱۰۱. این کتاب ترجمه‌ای از اثر زیر:

Henri Goblot

Les qanats, une technique d'acquisition de l'eau.

Paris - La Haye, Mouton / Ecole des hautes Etudes en Sciences Sociales, 1979, 236 p.)

در باره سهم حیاتی قنات در کشاورزی بنیاد شده بر آن، نقدی که استاد گوتو آکیرا، در معرفی این کتاب نوشته خواندنی است: «آب با جامعه یا ساخت و بافت اجتماعی رابطه‌ای قوی دارد. در ایران، در هر دوره که بافت و سازمان سیاسی محکم و پابرجا بود، توانگران بطور فعال در شبکه آبیاری و کشاورزی سرمایه می‌گذاشتند و اقتصاد رشد می‌کرد. بدینسان آب و آبیاری عامل تعیین کننده وضع سیاسی و احوال اقتصادی و اجتماعی بود» (شی‌گاکوزاشی - مجله بررسیهای تاریخی شماره ۹۸ - سپتامبر ۱۹۸۹ - صفحه ۲۳).

۲۵۸

پیوند تنگاتنگ قنات با فرهنگ و جامعه یا، در واقع، سهم فرهنگ‌ساز و تداوم بخشی آن به نظام و فرهنگ جامعه موضوعی است که به تازگی توجه صاحب نظران اجتماعی و دانشمندان تمدن‌شناس را به خود گرفته است. نمونه آن مطالب کتابی است که چندی پیش به قلم زاویه دوپلانول منتشر شد. جا دارد که بخشی از معرفی و نقد محققانه‌ای که زیر عنوان «هویت ملی و آبیاری» بر این تألیف نگاشته شده است در اینجا آورده شود:

«کتاب پرمایه و گرانقدر زاویه دوپلانول Xavier de Planhol، استاد برجسته جغرافیای خاورمیانه و شمال آفریقا در دانشگاه پاریس و عضو کمیته بین‌المللی «دانشنامه ایران» در بهمن ماه گذشته به نام Les nations du prophete manuel géographique de politique musulmane (Paris: Fayard, 1993), 894p. هم‌اکنون باید آن را اثری «کلاسیک» به‌شمار آورد و یکی از مهمترین آثار در باره ملل مسلمان - از مراکش تا افغانستان - شمرد. چه پلانول تنها عالم جغرافیا نیست، بلکه در عین حال مورخی آگاه و جامعه‌شناسی دقیق و ژرف‌اندیش و مسلط به منابع اصلی است.

«در آغاز فصل میسوطش در باره ایران مطلب مهمی را در باره جامعه ایرانی مطرح می‌کند، و آن این که از قرن نهم تا یازدهم مسیحی (سوم تا پنجم هجری) سرزمین ایران و افغانستان در معرض هجوم اقوام ترک قرار گرفت و این هجوم با حمله مغول در قرن سیزدهم که سپاهیان آن عمده از

قبایل ترک آسیای مرکزی بودند ادامه یافت. به تدریج ترکان در ایران و قسمتی از ارمنستان و آناتولی مستقر شدند. اما تأثیر حمله و اقامت ترکان در سرزمینهایی که اینک به زیر سلطه آنان درآمده بود یکسان نبود و موجب واکنشهای متفاوت شد. در آناتولی، با آن که ترکان دیرتر از ایران به آن دست یافتند و نیز از آسیای مرکزی دورتر بود، کشور و جامعه بزودی تغییر هویت داد و هویت بیزانسی و یونانی خود را ترک گفت و ترکی شد و جز اقلیتی ناتوان از یونانیان و ارمنیان در آن نماند. چنان که با آن که جنگ ملازگرد که در آن ترکان بر بیزانس غالب شدند در ۱۰۷۱ روی داد، نزدیک به صد و بیست سال بعد، در ۱۱۸۹، منابع مربوط به جنگهای سوم صلیبی از آناتولی با عنوان «ترکیه» نام می‌برند (ص ۴۸۰). ارمنستان که عمدتاً در ترکیه کنونی قرار داشت نیز سرانجام به دست ترکان از نقشه محو شد، فقط قسمتی از آن با پشتیبانی و حمایت روسیه در قفقاز باقی ماند.

اما در ایران با آن که زودتر مورد حمله ترکان واقع شده بود و عده ترکان نیز در آن بیشتر بود و سلسله‌های ترک یکی پس از دیگری بر آن حکومت کردند، هویت جامعه با مقاومتی شایان به جا ماند و در ساختار اجتماعی و سیاسی آن تغییری روی نداد و نام ایران و مفهوم آن ادامه یافت و زبان فارسی اعتبار رسمی و ادبی خود را نگاه داشت.

«مسئله این است که این تفاوت از کجاست و چه عاملی در بقای هویت ایران و محو هویت بیزانسی ترکیه و محو تدریجی ارمنستان آسیای صغیر کارگر بوده است؟

۲۵۹

توضیح پلانول در پاسخ به این پرسش، توضیحی جغرافیایی و کشاورزی است. به اختصار آن که در ایران از دوره باستان (اوایل هزاره اول میلادی) تمدن زراعی پیشرفته و پویایی با روشهای فنی استوار به وجود آمد که به جامعه ایران ثبات و استحکام بخشید و حملات قبایل صحراگرد نتوانست در اساس آن رخنه کند و آن را متزلزل سازد. این تمدن در اساس مدیون فن آبیاری بود که در دره‌ها و نقاط کوهستانی با نهربندی یعنی جدا ساختن نهرهای فرعی برای آبیاری مزارعی که در فرودست قرار داشتند صورت می‌گرفت، ولی مهمتر از آن در کوهپایه‌ها و کناره دشتهای و کویرها بود که با کندن قنات آبهای زیرزمینی را از راههای دور (گاه از حدود هفتاد کیلومتری)، با نقبهایی که مادرچاه آنها در یزد گاه تا ۳۰۰ متر ژرفا دارد، مهار کرده در خدمت کشاورزی می‌گماشتند. زراعت دیم هم در نقاطی که باران بیشتر بود، مثل آذربایجان، معمول بود، ولی اصل در ایران آبیاری و خاصه آبیاری با قنات است.

«قنات نخست در اوایل هزاره اول میلادی در سرزمین اورارتو، میان دریاچه وان و اورمیه، برای زه‌کشی معادن به وجود آمد (سارگن دوم در ذکر حملات خود در ۷۱۴ قبل از میلاد به آن اشاره می‌کند). قبایل ایرانی با اقتباس و توسعه سریع آن، زمینه پایداری برای تسلط بر سرزمین کم‌آب ایران فراهم کردند که پشتیبان جهانگشایی هخامنشیان شد و بنیاد شهریاری بزرگی را از لیبی تا آسیای مرکزی امکان‌پذیر ساخت (ص ۴۸۲ - ۴۸۳).

پلانول سپس شرح این فن اساسی را در کشاورزی با توصیف فنون سنجیده دیگری مثل

استفاده از کبوترخان‌ها برای تأمین کود، پرورش اسب، و سودجستن از کود دامها، و کشت علف پر بار و سودمند یونجه برای دامداری، و فنون پرهیز از آیش و عاطل گذاشتن زمین کشت و غیره تکمیل می‌کند و نتیجه می‌گیرد که این شیوه دقیق و هوشمندانه کشاورزی از دیرباز اساس بنیة اجتماعی ایران و حفظ کشور از لرزشها و تغییرات اساسی و مایه کامیابیهای لشکری آن بوده است. «بر عکس در ترکیه که آب و هوایی دیگر دارد و باران بیشتر است - چنان که حتی در دشتهای مرکزی آن که خشک‌تر است هیچ جا کمتر از ۳۰۰ میلیمتر نیست زراعت به صورت دیم انجام می‌گیرد و نیازی به تدابیری که در ایران معمول گردیده نبوده است. اما زراعت دیم کشاورز را در معرض تلون طبیعت و هوسهای آن قرار می‌دهد و زندگی او را نامطمئن می‌سازد و او را از ثباتی که از آبیاری و استفاده از آبهای زیرزمینی حاصل می‌شود محروم می‌دارد...

«شهرهای عمده ایران که مراکز تمدن آن‌اند در دامنه کوهها و کناره دشتهای و کوهها بنا شده‌اند تا بتوانند از آب تپه و کوهستان بهره‌مند شوند، و حال آن که شهرهای بیزانسی آسیای صغیر عموماً بر فراز تپه‌ها یا استحکاماتی در وسط قرار داشتند که آب به وسیله آب برهای افراشته به آنها می‌رسید و یا از آب انبار استفاده می‌کردند که آسیب‌پذیر بود.

«در ایران، ترکان تمدنی برتر از تمدن خود یافتند، با مذهب اسلام - مذهبی که یا ترکان قبلاً پذیرفته بودند و یا از ایرانیان آموختند، در حقیقت ترکان در ایران با وجود غلبه نظامی به آموزندگی و شاگردی (apprentissage) پرداختند. اما در آسیای صغیر آن ثبات جامعه زراعی ایران با فنون مجربش دیده نمی‌شد...

تأثیر هجوم ترکان در آسیای صغیر در نتیجه این عوامل تأثیر گسلنده و هادم بود و به «تفوق» و سلطه ترکان انجامید. در حالی که در ایران کار به «جذب» ترکان و تحلیل آنها و سر نهادن آنان به تمدن و زبان ایران و خدمت به ترویج آن دو منجر شد.» (نقل از نوشته استاد احسان یارشاطر؛ یادداشت (۱۸)، در: ایران‌شناسی، سال پنجم، شماره ۴ - زمستان ۱۳۷۲ -، صفحه‌های ۷۲۴ تا ۷۲۷).

هانری گوبلو در کتابش که بیشتر از آن یاد شد به بررسی این نکته پرداخته که فن قنات طی قرون در حوزه فرهنگی ایران، مهد نخستین خود، به چه مرحله از رشد دست یافته و در این رهگذر در تأثیر چه عواملی درآمده است. او نخست به قنات در افسانه‌های ایرانی پرداخته و با یادآوری اینکه افسانه‌ها غالب اوقات ریشه در حقیقت دارد، نوشته است: «برآوازه‌ترین افسانه‌های قدیمی ایرانی آنهایی است که فردوسی... در شاهنامه به نظم آورده... این افسانه‌ها یک سلسله ابداعات تکنیکی و از جمله بهره‌برداری از معادن و کانالهای ضروری برای کشاورزی را به هوشنگ، یکی از نخستین پادشاهان سلسله اسطوره‌ای پیشدادیان، این شاهان دادگر، نسبت می‌دهد.» (صفحه‌های ۱۱۱ و ۱۱۲).

بر کتاب «قنات، آبراه زیرزمینی ایران» نوشته پرفسور شوکو اوکازاکی در همان نخستین ماههای پس از انتشار آن چندین معرفی و نقد به قلم محققان و ایران‌شناسان ژاپنی نوشته و در

روزنامه‌ها و نیز در نشریه‌های تحقیقی درج شد. از گویاترین و گیراترین این نوشته‌ها نقدی است به قلم پرفسور اونو - موریو استاد مردم‌شناسی روستایی و محقق کشاورزی ایران با عنوان «ایران کنکیو - کا - نو - یومه» (آرزوی یک ایرانشناس) که در شماره ۳۰ ژانویه ۱۹۸۹ «آساهی جورنال» (نشریه آساهی) منتشر شد، و در آن آمده است:

این روزها اگر از مردم (ژاپن) بپرسند که در باره ایران چه تصویری دارید، بی‌گمان از انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق و بنیادگرایی اسلامی و نفت سخن خواهند گفت. این بازتاب واقعی است زیرا که در سراسر دنیا مردم به انقلاب ایران چشم دوخته بوده‌اند و امروز ایران کانون تحول سیاسی و اقتصادی غرب آسیا انگاشته می‌شود.

«اما اگر باز ببیندیشند که ایران، به معنی ایران آریایی از دوره شاهنشاهی پارسیان تا امروز، در این سرزمین خشک و سخت تاریخ‌ساز بوده است، کلید حل مسأله‌های پیچیده که در این میان رخ می‌نماید، یافته می‌شود.

«کتاب آقای شوکو اوکازاکی، قنات، آبراه زیرزمینی ایران، را باید چنین کلیدی دانست. «خوب بیاد دارم که برای ما که به شوق شناخت ایران به این سرزمین رقیتم و فارسی خواندیم و در میان ایرانیان زندگی کردیم تا به این دنیای ناشناخته دست یابیم، تلاش و همت دانشمندان پیشین که راهی و گذاری به این سرزمین نداشتند و تنها از راه خواندن و پژوهش در متون خواسته بودند تا این سرزمین جادویی را به ما بشناسانند، چه اندازه شگرف می‌نمود. دیدن و شناختن جلوه‌های زندگی ایران مانند قنات و بازار از نزدیک برایمان یک آرزو بود.

«کسی که در باره بازار - یا قناتی که - ندیده است در کتاب می‌خواند، اینها را خیال و رؤیا می‌انگارد. اما هنگامی که از نزدیک به بررسی برآید، کار آسان نیست. راستی در میان دوستان همدرسم کسی را سراغ ندارم که چنین بخت و فرصتی یافته باشد.»

آقای اوکازاکی درس تاریخ خوانده، اما دامنه پژوهش او گسترده‌تر از این زمینه است. کوتاه اینکه او در کتاب تازه‌اش همواره و همه‌جا کوشیده است تا از روستای طالب‌آباد، نزدیک تهران، و دهها روستای دیگر تصویری درست نشان بدهد و با واری منابع غربی و نیز متون قدیم فارسی و تلاشهای پژوهشی دیگر منطق قنات را که مردم ایران از روزگار باستان در این سرزمین خشک و سخت ساخته‌اند، نشان دهد.

کتاب در باره تاریخ، اقتصاد، سیاست، جامعه و فرهنگ ایران زیاد نوشته و نشر شده است. بویژه این روزها احوال کنونی ایران مورد بحث است، و از اینرو همه بحث روزنامه‌نگاران می‌کنند و اهل تخصص هم به اینسو کشیده می‌شوند. اما آقای اوکازاکی جابجا یادآور می‌شود که این روند را دنبال نمی‌کند. آقای اوکازاکی کتاب خود قنات، آبراه زیرزمینی ایران، را پس از تحقیق طولانی و پی‌گیر نوشته است. این کتاب ارزنده‌ای است. این کتاب را که خریدم و خواندم، بشوق آمدم، و باید بگویم که به نویسنده حسودیم هم شد.

خوب می دانم که (انتخاب) موضوع کتاب جایی برای بحث و جدل محققانه ندارد. راستش، این فکر نویسنده را که کوشیده است تا با ماده آب حقیقت تاریخ را پی گیرد، پسندیدم. اما منطبق آن تا اندازه ای برآیم نارسا آمد. گذشته از این، شیوه شناخت روستا و کشاورزی ایران (با بررسی آب و قنات) در این کتاب مسائلی همراه دارد. خوب است که نویسنده (در کتابی دیگر) بی واسطه به دهات و کشاورزی ایران بپردازد.

قنات آبراه زیرزمینی است. سه هزار سال پیش در فلات مرتفع ایران پنجاه هزار قنات ساخته شد، و به نعمت آن در بیابان آبادیها بوجود آمد و رونق گرفت. به موهبت قنات بود که می توانستند در بیابانهای خشک و سوزان کشاورزی کنند و فرآورده های بسیار بار آورند. برای اینست که قنات را شریان حیاتی ایران می گویند.»

پرفسور اوکازاکی، جدا از قنات در ایران، شبکه قنات در ژاپن و کره را نیز بررسی کرده و نتایج این تحقیق خود را منتشر ساخته است، که از آن یاد شد. دکتر محمدحسین پاپلی یزدی یکی از دو مترجم کتاب «قنات، فنی برای دستیابی به آب» در پی افزودن، در واقع، نقدی بر این تألیف نوشته است: «هانری گوبلو به قناتهای شرق دور و بویژه ژاپن اشاره نکرده و... ژاپن را به عنوان کشوری صاحب قنات مشخص نکرده است، در حالی که پرفسور کوبوری و پرفسور شوکو اوکازاکی، دو تن از اساتید ژاپنی، مقالاتی در باره قنات ژاپن نوشته اند. بویژه مقاله اوکازاکی در باره قناتهای ناحیه «نارا» (پایتخت قدیم ژاپن) یعنی جایی که بیش از ۱۵۰۰ میلیمتر بارش سالانه دارد قنات حفر شده است...»

«در مارس ۱۹۹۱... به ژاپن رفتم و در معیت دو استاد مذکور از قنات روستای «سوزوکا» بازدید کردم و به همراه پرفسور کوبوری و میراب قنات وارد یکی از چاهها شدم و راهرو، میله ای خشک، مادر چاه و مظهر قنات را مشاهده کردم. همه چیز دلالت بر قنات داشت با تمام ویژگیهای قناتهای دیگر. این قنات ۱۳۰۰ متر طول داشت. برای تقسیم آب آن میرابی انتخاب شده بود. همه سالها در روزی معین، شرکای قنات در لایروبی آن شرکت می کنند و شب همان روز در خانه میراب مراسم جشن قنات برگزار می شود. این ناحیه که تمامی ۲۰۰ رشته قنات ژاپن در آن واقعند، دارای بیش از ۱۵۰۰ میلیمتر بارش سالانه است. باتوجه به این که اصولاً معروف است که قنات به نواحی خشک و نیمه خشک اختصاص دارد، برای اغلب محققان همیشه این سؤال مطرح بوده که چگونه ممکن است در ناحیه ای چنین پر باران قنات وجود داشته باشد. پاسخ اینست که این منطقه جنگلی به علت واقع شدن در بالادست رودخانه ها به آبهای جاری دسترسی ندارد و چون برای آبیاری مزارع برنج به آب جاری نیاز بوده لذا از حدود ۲۰۰ سال قبل به سیستم قنات متوسل شده اند.» (صفحه های ۳۷۰ و ۳۷۱).